

موانع فرهنگی نقد سازنده در میان ما ایرانیان

توهین انتقادی:

به دلیل اینکه «تعریف»، «تمجید» و «تأثیرد» در میان ما به دلایلی، «احترام» تلقی می‌گردد، نقد و انتقاد، «توهین و بی‌احترامی» قلمداد شده و این خود تحمل انتقاد شنیدن و به تبع آن جرأت انتقاد کردن را از ما گرفته است. این تلقی بزرگترین و کلیدی ترین عامل در راه نقد در جامعه ماست.

سیاه و سفید دیدن:

آن که گوید جمله حق اند احمقی است
و آن که گوید جمله باطل او شقی است
پس بد مطلق نباشد در جهان
بد به نسبت باشد این را هم بدان

(مولانا)

معمولًا در نظر ما، انسان ها، مکاتب، و سیستم های اجتماعی و حکومتی یا خوبند و یا بد. بدین معنی که موافقان یک فرد، یک مکتب فکری و یا یک سیستم اجتماعی یک نکته منفی در آن نمی بینند و مخالفان نیز یک نکته مشیت. مقداری از این دو گانه نگری (سیاه و سفید دیدن) به خاطر ترس از بروجسب خوردن از جانب کسانی است که تصور می کنند مخالف باید همه وقت، همه جا و با همه چیز با چشم پسته مخالفت کند و اگر نکرد، یعنی اشاره ای به کمترین نکته مشیت چه در شخص و چه در یک مکتب فکری و چه گروه سیاسی و غیره نمود، او را به خودفروختگی و سازشکاری و یا خیانت متهمش می کنند. همین ترس باعث می شود که بسیاری از افراد و گروه های سیاسی که داعیه برقراری دموکراسی و نجات مردم و نهایتاً ارتقاء سطح فرهنگ جامعه را دارند، یا سخاوتمندانه به تعریف و تمجید و تأثیرد افراد و مکاتب و گروه ها و سیستم ها پردازند و یا تنها به انتقاد کردن های غیر اصولی، عیب جوئی، توهین و تحریر و حتی تمسخر آنان دست بزنند و از کمترین اشاره به نکته های مشیت پرهیز نمایند. برخورداری که نتیجه ای جز بیشتر کردن فاصله ها، شدت بخشیدن به خصوصیت ها و خراب تر کردن اوضاع ندارد. ماجرا این که در آن فقط مردم بیگناهی که همه



طرح از: کلیپز دریمیش

«تا آزادی انتقاد نباشد، ستایش ارزنده ای نیز نمی تواند وجود داشته باشد».

بومارش نمایشنامه نویس فرانسوی

تا آزادی انتقاد نباشد نه تنها ستایش ارزنده ای نمی تواند وجود داشته باشد، بلکه رشد و پیشرفتی نیز نه در زمینه فردی و نه در زمینه های اجتماعی، سیاسی، ادبی و فرهنگی صورت نخواهد گرفت.

متاسفانه شرایط حاکم بر جامعه ما در طول تاریخ باعث پیدایش ویژگی هایی در ما شده ای است که نقد منصفانه را با مشکلاتی روی رو نموده است. در این نوشتار شکل فشرده به بیان چندی از این ویژگی ها پرداخته می شود:

ماشه ایم.

به نظر می رسد ما راهی نداریم جز اینکه به ویژگی های ویران کننده ای که بر پایه های فقر و بی عدالتی و ناامنی، و در راستای دفاع از قدرتمند و رابطه، در ما به وجود آمده است و خود را با نام زیبایی «ازش، احترام، آداب، رسوم و سنت ها» بر ما تحمیل کرده اند، آگاه شویم و در تعديل آنها در خود بکوشیم و تا آنجا که می توانیم نقد و نظرات و قضاوی هامان را از غرض ورزی، کینه توزی و بد خواهی، تک بعدی نگری و در یک کلمه، بی انصافی، تصفیه کنیم، در غیر این صورت این در بر همین پاشنه خواهد چرخید و امتداد ها رزیم دیگر با ایدئولوژی های متفاوت نیز تغییری در وضع جامعه ما به وجود نخواهد آورد.

پانوشت:

* در نگارش این مقاله از انگشت شمار متقدان منصف و سليم النفس در جامعه کتوی ایران صرف نظر شده است. لازم به ذکر است که این گروه از متقدان به خاطر داشتن ویژگی هایی که جز به نظرت سالم و محیط مساعد خانواره آنها نمی توان متسب دانست، پیشگامان حرکت های نوبن فرهنگی سیاسی و اجتماعی در جوامع نابسامانند.

tahey47@yahoo.com.au *

سنگ نجات آنان را بر سینه می زنیم قربانی شده و می شوند.

حفظ حرمت، جبران محبت و مقابله به مثل:

رعایت حرمت دوستی، همسایگی، فامیلی، نان و نمک و موی سپید و غیره از ویژگی های بارز مردمان جوامع تحت ستم و سنتی است. این حرمت ها که فقط با تعریف، تمجید و بخصوص تایید کردن حفظ می شود، طبیعتاً گاه در تضاد با حفظ حق که یکی از وجوده آن نقد سازنده و منصفانه است، قرار می گیرد.

جبران محبت نیز که در فرهنگ ما رسم بسیار ریشه داری است، می تواند به مانع در راه نقد سازنده و منصفانه تبدیل گردد. بدین معنی که اگر متقدی اثر نویسنده و یا شاعری را برجسته و خواندنی اعلام کرد، جبران محبت حکم می کند که آن شاعر یا نویسنده نیز از آثار آن متقد متقابلاً تعریف نماید، که در غیر این صورت متهم به بی معرفتی و به عبارتی نمک خوری و نمکدان شکنی می گردد.

به همین ترتیب، اگر این انتقاد اشاره به نکات منفی داشته باشد، چه بسا شخص مورد انتقاد قرار گرفته در راستای مقابله به مثل، متقد خود را مورد انتقاد بین پایه واساس قرار دهد.

مصدق این حفظ حرمت ها، جبران محبت ها و مقابله به مثل کردن ها را می توان در نشریاتی که در داخل و خارج از کشور به نقد و بررسی و معرفی آثار ادبی، فرهنگی و اجتماعی می پردازند، هم به صورت تعریف و تمجید های افراطی متقابل و هم انتقادهای شدید الحن دو جانب مشاهده نمود.

غفلت از پیام اصلی:

گاه مشاهده می شود که در نقد یک اثر، متقد از موضوع اصلی مورد بحث غفلت نموده و به مسایل جزئی و حاشیه ای مطرح شده و یا به ایرادات و اشکالات بین اهمیت در آن می پردازد.

با توجه به اینکه بسیاری از نوشته ها توسط نقد آنها به جامعه معرفی می گردند، این مسئله هم به ضایع شدن زحمات نویسنده و هم به انحراف اذهان مردم منجر می گردد.

از آنجا که هر یک از خصوصیات مذکور در این نوشتار به تنهایی می تواند متقد را از جاده انصاف خارج کند، تصور این امر که تمامی و یا ترکیبی از آن ها چه بر سر نقد سازنده خواهد آورد مشکل نخواهد بود، و باز از آنجا که تا نقد سازنده ای در کار نباشد، بهمودی چه در زمینه فردی و چه در زمینه اجتماعی، ادبی، فرهنگی و سیاسی حاصل نخواهد شد، می توان دریافت که چرا ما قون هاست همچنان در جای خود

JEWELRY BY DESIGN

بایست سال تجربه در امر جواهر

Celebrate your moments
with our timeless design

Exquisite Bridal Collection
Unbeatable Values

با وقت قبلی

713-882-2562

Roshanak Far

Sheri Khatami